

## توفیق و بی‌توفیقی

علیرضا وزیری

آثاری دارد؟ اگر توفیق و سلب توفیق نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اینها سؤالاتی است که کوشیده‌ایم در حدّ گنجایش این مقاله پاسخ مختصری به آنها دهیم.

### توفیق چیست؟

#### الف. معنی لغوی:

توفیق از نظر لغوی به معنای «سازش افکندن، موافقت دادن، موافق گردانیدن اسباب، دست یافتن به کاری، کارسازی، و تأیید الهی است.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ فارسی، (شش جلدی)، دکتر محمد



### مقدمه

توفیق چیست؟ سلب توفیق یعنی چه؟ چرا خداوند تنها توفیق دهنده است؟ آیا به توفیق الهی نیاز داریم؟ خداوند چه نقشی در نیروبخشی، اسباب و مسببات و اختیار ما انسان‌ها دارد؟ هدایت و گمراهی به چه معناست؟ موفّق واقعی و شکست‌خورده واقعی چه کسی است؟ زمینه‌ها و عوامل توفیق کدامند؟ توفیق چه پیامدها و آثاری دارد؟ زمینه‌ها و عوامل سلب توفیق کدامند؟ سلب توفیق، چه پیامدها و

## ب. معنی اصطلاحی:

توفیق در اصطلاح یعنی، خداوند مسبب الاسباب، اسباب را موافق مصلحت انسان نماید.

علامه طباطبایی، رحمت الله علیه، می‌نویسد: «توفیق عبارت از این است که خدا اسباب را به نحوی منظم کند که بنده را به عمل صالح بکشاند یا پاره‌ای از علل معصیت را ایجاد نکند (چون خداوند، تمامی اسباب عالم تکوین را ایجاد کرده تا وسایطی باشند برای حدوث و حوادثی؛ و اوست که «مسببات» را از آثار «اسباب» متأثر می‌سازد؛ این «اسباب» و «مسببات» - هر چه باشند - [به طور تکوینی] مجبور به قبول آثاری هستند که خداوند، فعل آن را از یکی و انفعال از آن را از دیگری خواسته است). ضد توفیق، خذلان است.<sup>۱</sup>

## خذلان چیست؟

خذلان نیز بی‌توفیقی، سلب توفیق و از میان بردن مقدمات و زمینه‌ها و اسباب برای وصول به مقصود است.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَخِذْلِكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ﴾<sup>۲</sup> «اگر خداوند (از شما سلب توفیق نماید و) یاری‌تان نکند، پس کیست آن که شما را پس از او یاری دهد؟! بنابراین تنها توفیق‌دهنده خداست.»

## چرا تنها توفیق‌دهنده خداست؟

تنها توفیق‌دهنده خداست؛ زیرا تنها خداست که می‌تواند «همه»ی اسباب و مقدمات لازم را در اختیار بشر قرار دهد و از غیر او چنین کار «همه‌جانبه»ای ساخته نیست؛ لذا یکی از مفسرین می‌نویسد: «مقصود از ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾<sup>۳</sup> این است که خدایا! فقط از تو توفیق و کمک بر عبادت

معین، تهران، امیر کبیر، نهم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۶۸.

تهران، مهاجر، اول، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱ و ۴۷۵.

۲. آل عمران / ۱۶۰.

۳. حمد / ۵.

۱. فرهنگ جاودان المیزان، علی تاج‌الدینی،

«مردی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: «مگر من قادر به انجام تکالیفم نمی باشم؟» فرمود: «قدرت از نظر تو چیست؟» وی گفت: «توان بر کار.» فرمود: «آری، توان به تو داده شده است، اگر کمک نیز به تو شود.» مرد گفت: «مرادتان از کمک چیست؟» فرمود: «توفیق.» وی گفت: «توفیق چه اثری دارد؟» فرمود: «اگر موفق بودی [و توفیق داشتی]، کار را انجام می دهی. چه بسا یک کافر توانش از تو بیشتر است، ولی چون توفیق ندارد، به انجام کار نیک دست نیابد.» سپس فرمود: «به من خبر بده چه کسی این نیرو (و توان) را در تو خلق کرده است؟» گفت: «خدای تبارک و تعالی؟» امام پرسید: «آیا با آن نیرو (و توان) - بدون کمک خدای تبارک و تعالی - می توانی ضرر را از خودت دفع و نفع را به سوی خود جلب کنی؟» گفت: «نه.» امام فرمود: «پس

می خواهی و معنای توفیق، درست کردن «همه» وسایل و اسباب آن چیزی است که [انسان] در پیدایش [و ادامه زندگی انسانی] نیاز به آنها دارد و از این جهت کسی که دیگری را بر کاری کمک می کند، نمی گویند «به او توفیق داد»؛ زیرا او می تواند تنها یک سبب [و] «یک قسمت کار را» درست کند، اما جمع «همه اسباب و مقدمات» از قدرت افراد خارج و منحصر به خدا است؛ لذا توفیق فقط از او است.»<sup>۱</sup>

#### نیازمندی به توفیق الهی

امام جواد علیه السلام می فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ...»<sup>۲</sup> مؤمن به توفیق الهی محتاج است.»

۱. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، گروه مترجمان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۴.

۲. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، قم، انتشارات، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، دوم،

## نیروی الهی، اسباب و اختیار

آدمیان، کارهای نیکشان را با راهنمایی و تشویق خداوند و با نیرو، اختیار، توفیق و اسباب لازمی که خدا برایشان آفریده، انجام می‌دهند و کارهای بدشان را نیز - گرچه با نیروی الهی، اما - علیرغم نهی الهی و با اختیار خدادادی خویش انجام می‌دهند، ولی خداوند نیرویش را در اختیار بشر قرار داده تا در مسیر خیر به کار بگیرد و از آن سوء استفاده نکند.

لذا امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَلَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْبُدُوهُ»<sup>۱</sup> وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲</sup> فَيَسَّرَ كَلًّا لِمَا خُلِقَ لَهُ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ اسْتَحَبَّ الْعَمَى عَلَى الْهُدَى؛<sup>۳</sup> خدای عز و جل جن و انس

۲. الذاریات/ ۵۶.

۳. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، (شیخ صدوق)، ترجمه: محمد علی سلطانی، قم،

آنچه را نمی‌توانی، ادعا نکن» و سپس فرمود: «این [ادعا] کجا و سخن بنده صالح خدا کجا که می‌گوید: توفیق من نیست مگر از جانب خداوند.»<sup>۱</sup> پس انسانها، هم به نیروی خدادادی محتاج و مجهزند، و هم به توفیق اونیا دارند تا قادر به انجام کارهای خوب و دوری از کارهای بد باشند.

۱. أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ الْعَالِمَ عليه السلام فَقَالَ «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَيْسَ أَنَا مُسْتَطِيعٌ لِمَا كَلَّفْتُ قَالَ لَهُ عليه السلام مَا لِاسْتِطَاعَةٍ عِنْدَكَ قَالَ الْقُوَّةُ عَلَى الْعَمَلِ قَالَ لَهُ عليه السلام قَدْ أُعْطِيتَ الْقُوَّةَ إِنْ أُعْطِيتَ الْمَعُونَةَ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ فَمَا الْمَعُونَةُ قَالَ التَّوْفِيقُ قَالَ فَلِمَ إِعْطَاءُ التَّوْفِيقِ قَالَ لَوْ كُنْتَ مُوَفَّقًا كُنْتَ عَامِلًا وَ قَدْ يَكُونُ الْكَافِرُ أَقْوَى مِنْكَ وَ لَا يُعْطَى التَّوْفِيقَ فَلَا يَكُونُ عَامِلًا ثُمَّ قَالَ عليه السلام أَخْبِرْنِي عَنْكَ مَنْ خَلَقَ فِيكَ الْقُوَّةَ قَالَ الرَّجُلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ الْعَالِمُ هَلْ تَسْتَطِيعُ بِتِلْكَ الْقُوَّةِ دَفْعَ الضَّرِّ عَنْ نَفْسِكَ وَ أَخَذَ النَّفْعَ إِلَيْهَا بِغَيْرِ الْعَوْنِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ لَا قَالَ فَلِمَ تَسْتَجِلُّ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أُيْنَ أَنْتَ عَنْ قَوْلِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» (بحارالانوار، علامه مجلسی، لبنان، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۴۲، ح ۶۸).

را آفریده تا او را پرستش کنند و آنان را نیافریده که نافرمانی‌اش کنند و همین معنای کلام خداوند است که فرموده: «جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادت کنند.» پس همه را در راستای آنچه که برای آن آفریده شده، قرار داده است؛ پس وای بر کسی که کوری [بی‌بصیرتی و حق‌ناشناسی] را بر هدایت ترجیح دهد.»

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس پندارد که خیر و شر به غیر از اراده خدا است، خداوند را از قدرتش خارج [تلقی] کرده است. هر کس پندارد که نافرمانی‌ها به غیر از نیروی الهی است، بر خدا دروغ بسته است و هر کس بر خدا دروغ بندد، خداوند او را در آتش آورد...»<sup>۱</sup>

بنابراین، خداوند فقط به امور نیک فرمان می‌دهد و از کارهای زشت نهی می‌کند و هر کس کار خیر یا شرّی را انجام می‌دهد، در متن سیستم زندگی که خداوند اراده کرده است، زیسته و نه خارج از آن. و چنان نیست که امور از دست خدا خارج شده باشد.

حسن بن علی و شاء می‌گوید: «از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم که: آیا خداوند تمام امور و کارها را به بندگان خویش تفویض و واگذار نموده است؟ فرمود: نه. خداوند برتر از آن است که امور را به بندگان خویش واگذارد. گفتم: پس خداوند آنان را بر گناهان مجبور می‌سازد؟ امام جواب داد: «نه، خداوند عادل‌تر و حکیم‌تر از آن است که مردم را به گناه وادار کند.» سپس گفت: «خداوند فرموده است: ای فرزند آدم! من به اعمال نیک تو از تو سزاوارترم؛ زیرا همه آنها را با نیرو، توفیق و وسایل

ارمغان طوبی، ۱۳۸۷، پنجم، ص ۵۵۴، ح ۳.

۱. همان، ص ۵۵۸، ح ۲.

لازمی که من در وجود تو گذاشته‌ام، انجام داده‌ای و تو به گناهانت از من سزاوارتری»<sup>۱</sup>

پس از ناحیه خدا هیچ اجباری برای گناه به انسان تحمیل نمی‌شود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «خداوند عزوجل، به بندگان خود مهربان‌تر از آن است که بندگان را به گناه مجبور سازد و آن‌گاه بر آن گناه، کیفرشان دهد.» در هر صورت، اراده خداوند، موجب سلب اراده آدمی در اعمالش نمی‌گردد؛ چون اراده انسان در طول اراده الهی است نه در عرض آن.

۱. عن الحسن بن علی الوشاء عن أبي الحسن الرضا عليه السلام، قال سألته: «الله فَوْضَ الْأَمْرِ إِلَيَّ الْعِبَادِ؟ قَالَ: اللهُ أَعَزُّ مِنْ ذَلِكَ. قُلْتُ: فَجَبَرَهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي؟ قَالَ: اللهُ أَعْدَلُ وَأَحْكَمُ مِنْ ذَلِكَ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: اللهُ «يَابْنَ آدَمَ أَنَا أَوْلَى بِحَسَنَاتِكَ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى بِسَيِّئَاتِكَ مِنِّْي عَمِلْتَ الْمَعَاصِيَ بِقُوَّتِي الَّتِي جَعَلْتُهَا فِيكَ» (الكافي، ثقة الاسلام كليني، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ش، چهارم، ج ۱، ص ۱۵۷، ح ۳).

خداوند انسانها را به اطاعتش نیز مجبور نمی‌سازد. امام رضا عليه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُطْعَ بِأَكْرَاهٍ، وَلَمْ يُعْصَ بِغَلْبَةٍ، وَلَمْ يُهْمَلِ الْعِبَادَ فِي مَلِكِهِ؛ هُوَ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ، وَالْقَادِرُ عَلَى مَا أَقْدَرَهُمْ عَلَيْهِ، فَإِنْ ائْتَمَرَ الْعِبَادُ بِطَاعَتِهِ لَمْ يَكُنِ اللهُ عَنْهَا صَادِقًا وَلَا مِنْهَا مَانِعًا، وَإِنْ ائْتَمَرُوا بِمَعْصِيَتِهِ فَشَاءَ أَنْ يَحُولَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ ذَلِكَ فَعَلَّ، وَإِنْ لَمْ يَحُلْ وَفَعَلُوهُ فَلَيْسَ هُوَ الَّذِي أَدْخَلَهُمْ فِيهِ؛<sup>۲</sup> خدای عزوجل، به اکراه، مورد اطاعت قرار نگرفته است. بندگان را در قلمرو خود، رها نکرده است. او مالک هر آنچه در ملک آنان در آورده است، می‌باشد و بر آنچه آنان را توانا کرده است، قادر است. اگر بندگان به اطاعت او گردن نهند، خداوند از آنان پیشگیری نمی‌کند و منع کننده نیست و اگر به نافرمانی او پردازند و خدا بخواهد بین آنان و کار مانع ایجاد کند،

۲. همان، ص ۵۵۸، ح ۷.

### مسئله هدایت و گمراهی

خدای متعال، در اصل خلقت بشر، استعداد هدایت و امکان رشد را قرار داده است و این هدایت اولی از ناحیه خداوند است. قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»<sup>۳</sup> «ما راه را به او [انسان] نشان دادیم، خواه شاکر باشد [و قبول کند] یا ناسپاس.»

هدایت‌های بعدی خداوند، پاداش او به انسانهایی است که آن استعداد هدایت اولی را به طور صحیح شکوفا می‌کنند، اما ضلالت، امری عدمی است؛ یعنی، عدم هدایت و سوزاندن آن استعداد و انحراف از آن هدایت اولی خداوند؛ لذا ضلالت هر کسی از خودش شروع می‌شود و مستقیماً منسوب به خواست و رفتار خود او است و به طور غیر مستقیم، به خدا - که نیروبخش انسان است - نسبت

۳. انسان / ۳.

می‌تواند و اگر مانع ایجاد نکند و آنان آن کار را انجام دهند، خداوند آنان را در آن کار وارد نساخته است...»

به همین خاطر امام صادق علیه السلام فرمود: «... الشَّرُّ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَإِنْ جَرَى بِهِ قَدْرُهُ»<sup>۱</sup> گناه از ناحیه شما (انسانها) است، هر چند که تقدیر خدا بر آن جاری است.»

پس هیچ نوع اجباری از ناحیه خداوند به انسان تحمیل نمی‌شود که اراده‌اش را سلب نماید و بی‌اختیار به اطاعت یا معصیت روی آورد.

علامه طباطبایی رحمته الله، می‌نویسد: جبر، ناچار بودن در مقابل عمل و سلب هر گونه اختیار است، به طوری که هیچ اراده‌ای در انجام آن کار از انسان وجود نداشته باشد.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۵۶۸، ح ۶.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، پنجم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۵۳.

داده می‌شود.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد: هدایت و ضلالت، یا تهیّه اسباب جهت موفق شدن به کار خیر و یا محروم شدن از آن، پاداش یا مجازات خداوند نسبت به برخی از اعمال و کردار انسانها است؛ یعنی، عبد فاسق و گنه‌کار را مجازات می‌کند و یکی از مجازات‌هایش دور کردن از هدایت است؛ مثلاً در بعضی از روایات وارد شده که شیرینی عبادت را از آنها می‌گیرد. در اینجا خود شخص است که در اثر دروغ‌گویی باعث می‌شود که شیرینی عبادت را درک نکند و هر وقت بخواهد، می‌تواند دروغ را ترک نماید و موفق به درک شیرینی عبادت شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿ذَلِكُمْ هُدَى اللَّهِ﴾ «يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> یعنی، او استعداد [هدایت و رشد] شخص را از بین نمی‌برد و او را

مشغول به موانع [هدایت و رشد] نمی‌گرداند، بلکه شکوفایی آن استعداد و یا بروز آن مانع، به افعال اختیاری و ارادی خود انسان باز می‌گردد... پس برای هدایت، اسبابی است که در اختیار انسان قرار دارد؛ مثلاً احسان به دیگران، که در نتیجه آن، الطافِ خدا، شامل نیکوکاران می‌شود و نمی‌گذارد که آنان گمراه شوند. حال این هدایت و نشان دادن راه‌های سعادت آفرین را، توفیق خدایی می‌نامند که هم منسوب به انسان و اختیار او است و هم منسوب به خداوند.<sup>۲</sup>

بنابراین، هدایت و گمراه‌سازی خداوند، واکنش خدا به کنش مختارانه آدمی است.

یکی دیگر از مفسران<sup>۳</sup> نیز معتقد

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۵۳.

۳. الأمتل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ناصر

مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی

۱. زمر / ۲۳.



است که هدایت و ضلالت در مفهوم قرآنی، به معنای اجبار بر انتخاب یکی از دو راه صحیح یا خطا نیست، بلکه منظور از هدایت، فراهم و هموار نمودن راه‌ها و زمینه‌های هدایت است که به آن توفیق می‌گوییم و منظور از گمراه‌سازی، از بین بردن زمینه‌های مساعد هدایت است (بی‌آنکه اجباری در کار باشد) که به آن، سلب توفیق گفته می‌شود و این، هر دو، نتیجه اعمال مستقیم، خود انسان است؛ مثلاً وقتی کسی از کناره نزدیک پرتگاهی خطرناک عبور می‌کند، هر چه بیشتر به آن نزدیک شود، خود را بیشتر در معرض خطر سقوط قرار می‌دهد و هر چه از آن دورتر شود، احتمال افتادنش از آن پرتگاه کم‌تر می‌شود. به حالت اولی، گمراهی، و به حالت دومی هدایت گفته می‌شود.

**انسان موفق و ناموفق کسیت؟**  
 عبد الله بن فضل هاشمی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که به آن حضرت عرضه داشتیم: (با در نظر داشتن این که علل و اسباب در کار ما مؤثرند) خدای تعالی در یک جا از قول شعیب حکایت کرده که گفت: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>۱</sup> «و توفیق من جز از ناحیه خدا نیست.» و در جایی دیگر خودش فرموده: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۲</sup> «اگر خدا شما را یاری کند، چیره‌ای بر شما نخواهد بود و اگر یاری‌تان نکند، چه کسی پس از او شما را یاری خواهد کرد؟» معنای اینها چیست؟ امام علیه السلام در جواب فرمود: «إِذَا فَعَلَ الْعَبْدُ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مِنَ الطَّاعَةِ كَانَ فِعْلُهُ وَفَقًا لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَمَّى الْعَبْدُ بِهِ مُؤَفَّقًا، وَإِذَا أَرَادَ

۱. هود / ۸۸

۲. آل عمران / ۱۶۰

طالب علیه السلام، اول، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

مرتکب گناه گردد در آن صورت خدا او را یاری نکرده و موفق ننموده است، (چون کارش موافق دستور خدا انجام نشده).<sup>۲</sup>

بنابراین موفق واقعی کسی است که مطیع خداوند باشد و شکست خورده و ناموفق واقعی، کسی است که از فرمان خداوند سرپیچی نماید.

### زمینه‌ها و عوامل توفیق

آنچه که زمینه‌ساز توفیق و عامل موفقیت انسان می‌شود، زیاد است که اکنون به برخی اشاره می‌کنیم:

#### ۱. یاری الهی

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال از معنای «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فرمود: لَا

العَبْدُ أَنْ يَدْخُلَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَحَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ فَتَرَكَهَا كَانَ تَرَكُهَا لَهَا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَمَتَى خَلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَعْصِيَةِ، فَلَمْ يَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حَتَّى يَرْتَكِبَهَا، فَقَدْ خَذَلَهُ وَلَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يُؤَيِّقْهُ؛<sup>۱</sup>

وقتی بنده خدا از آنچه که خدا به او امر کرده، اطاعت کند، عملش موافق امر خدای عز و جل است و به این جهت آن عبد را موفق می‌نامند (چون کارش موافق امر خدای عز و جل است) و هر گاه بنده خدا بخواهد داخل پاره‌ای از گناهان شود و خدای تعالی بین او و آن گناه حایل گردد و در نتیجه، بنده آن گناه را مرتکب نشود، ترک گناهش به توفیق خدای تعالی صورت گرفته، و هر زمان که او را به حال خود بگذارد و بین او و معصیت حایل نشود و در نتیجه

۱. التوحید، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ترجمه: محمد علی سلطانی، ص ۳۶۸، باب ۳۵، ح ۱.

۲. مؤلف تفسیر المیزان در مورد این حدیث می‌نویسد: «چون گفتیم: توفیق عبارت است از ایجاد توافق بین آن اسباب؛ پس اسبابند که متصف به توفیق می‌شوند و اگر انسان موفق را موفق می‌نامیم، در حقیقت توصیف به حال متعلق کرده‌ایم». (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۶۳ و ۵۶۴).

حَوْلَ لَنَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛<sup>۱</sup> ما قدرت روی گرداندن از معصیت خدا نداریم، مگر به یاری خدا و توانایی بر طاعت خدا نداریم، مگر با توفیق خدا.»

توفیق تو گرنه ره نماید این راه به عقل کی گشاید ای عقل مرا کفایت از تو جستن ز من و عنایت از تو<sup>۲</sup> باید به یاری خدا تکیه کنیم و بدانیم که او سبب‌ساز موفقیتهامان است و به او توکل کنیم تا توفیقمان روزافزون شود و در لغزشگاه‌های بحران‌زا مصون بمانیم.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد: «حضرت یوسف عليه السلام بعد از معلوم شدن بی‌گناهی‌اش گفت: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا

الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾؛<sup>۳</sup> «و این گفته را به این جهت به کلام قبلی‌اش (که گفته بود: «من او را در غیابش خیانت نکردم، افزود که در آن کلام قبلی‌اش، بویی از استقلال و ادعای حول و قوت می‌آمد؛ یعنی، این من بودم که دامن به چنین خیانتی نیالودم و چون آن جناب از انبیای مخلص و خالص در توحید و از کسانی بوده که برای احدی جز خدا حول و قوتی قائل نبوده‌اند، لذا فوری اضافه کرد که: آنچه من کردم و آن قدرتی که از خود نشان دادم، به حول و قوه خودم نبود، بلکه هر عمل صالح و هر صفت پسندیده که دارم، رحمتی است از ناحیه پروردگارم. آن حضرت، هیچ فرقی میان نفس خود با سایر نفوس - که به حسب طبع، اماره به سوء و مایل به شهوات است - نگذاشت،

۱. التوحید: ترجمه محمد علی سلطانی،

ص ۳۷۱، باب ۳۵، ح ۳.

۲. نظامی.

۳. یوسف / ۵۳.

بلکه گفت: «من خود را تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس، به طور کلی آدمی را به سوی بدیها و زشتیها وامی‌دارد مگر آنچه که پروردگارم ترحم کند.»<sup>۱</sup> پس در حقیقت این کلام یوسف، نظیر کلام شعیب علیه السلام است که گفت: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>۲</sup>؛ «من جز اصلاح در حدّ توانم، منظور دیگری ندارم، و در این کار، غیر از خدا، کسی را توفیق دهنده و سبب‌ساز نمی‌دانم.»

## ۲. جذبه الهی

انسان مؤمن در سایه عنایت و یاری خدا زندگی می‌کند و در پرتو ایمان و عمل صالحش، توفیق الهی را بیش از پیش جلب و جذب می‌نماید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّوْفِيقُ مِنْ جَذَبَاتِ الرَّبِّ»<sup>۳</sup>؛ توفیق، از جذبه‌های

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۲۶۹ و ۲۷۰، (با تلخیص).

۲. هود / ۸۸.

۳. غرر الحکم و دررالکلم، عبدالواحد تمیمی

پروردگار است.»

این جاذبه الهی هم قابلیت‌زا و هم قابلیت افزا است.

## ۳. هدایت خواهی و هدایت پذیری

مؤمنان صالح، هدایت خواه و هدایت پذیرند و خدا نیز به هدایت و توفیق‌شان می‌افزاید. آنچنان‌که در قرآن می‌فرماید: «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»<sup>۴</sup>؛ «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»<sup>۵</sup>؛ «کسانی که قبول هدایت کنند، خداوند هدایت آنها می‌افزاید.»

## ۴. غنیمت دانستن نفعات الهی

اگر از فرصتهای معنوی، به خوبی بهره‌مند شویم، فرصتهای توفیق‌آمیز بهتر و پربارتری را فراروی خود خواهیم داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا

آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۲۰۳، ص ۲۰۳.

۴. مریم / ۷۶.

۵. محمد / ۱۷.

عامل بسیار مهمی برای توفیق ما در عرصه هدایت پذیری است. خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾<sup>۳</sup> «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می‌سازد.»

#### ۷. دعا و طلب خیر از خداوند

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مَنْ اسْتَنْصَحَ اللَّهَ وَفَّقَ؛ أَيُّ مَرَدَمٍ! هَرَّكَهُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ خَيْرٌ خَوَّاهِ طَلْبُ اللَّهِ، تَوْفِيقٌ يَأْتِي.»

امام زمان علیه السلام نیز در دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ؛<sup>۵</sup> خدایا توفیق طاعت و دوری

۳. انعام / ۱۲۵.

۴. نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ترجمه: محمد دشتی، انتشارات مجتبی، قم، ۱۳۷۹، اول، ص ۲۷۰، خطبه ۱۴۷.

۵. کلیات مفاتیح نوین (دعای حضرت مهدی علیه السلام، آیت الله مکارم شیرازی، با همکاری جمعی از فضلا، مترجم، هاشم رسولی محللاتی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۸۴ش، چ دوم، ص ۱۹۲.

فَتَعَرَّضُوا لِنَفْحَاتِهِ!<sup>۱</sup> در گردش ایام و سیر زمان، گاهی نسیمهای معنوی و الهی وزیدن می‌گیرد. به هوش باشید و خود را در معرض نسیمهای او قرار دهید.

#### ۵. خیرخواهی خداوند

در روایت آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا وَفَّقَهُ لِنَفَاذِ أَجَلِهِ فِي أَحْسَنِ عَمَلِهِ وَرَزَقَهُ مُبَادَرَةَ مَهْلِهِ فِي طَاعَتِهِ قَبْلَ الْفَوْتِ؛<sup>۲</sup> هرگاه خداوند، خوبی بنده‌ای را بخواهد، به او توفیق می‌دهد تا عمرش را در بهترین کارهایش سپری کند و شتافتن در طاعت او پیش از فرا رسیدن مرگ را روزی‌اش می‌کند.»

#### ۶. شرح صدر

شرح صدر خدادادی، زمینه و

۱. شرح نهج البلاغه، عبد الحمید بن ابی الحدید المعتزلی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۱۳۵.

۲. غرر الحکم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، ح ۳۳۹۰.

از معصیت را روزی ما بفرما.»

در دعای پس از نماز جعفر طیار نیز آمده است که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَىٰ وَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَىٰ؛<sup>۱</sup> خدایا! از تو توفیق هدایت یافتگان و اعمال تقوایندگان را می‌طلبم.»

بنابراین باید از خداوند طلب توفیق نماییم تا از آن برخوردار شویم؛ چرا که خداوند نیز می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۲</sup>؛ «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.»

#### ۸. تلاش و جهاد برای خدا

در هر زمینه‌ای که از خدا طلب توفیق می‌کنیم، باید حدّ اکثر تلاش و توانمان را هم به کار بگیریم، تا خداوند هم به حرکت ما برکت دهد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «... مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَ لَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ»

بِنَفْسِهِ...؛<sup>۳</sup> هر کس از خدا توفیق بخواهد، در حالی که تلاش نمی‌کند، خود را مسخره کرده است.»

قرآن مجید یکی از مهم‌ترین راه‌های هدایت و جلب توفیق الهی را جهاد و تلاش می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۴</sup>؛ «کسانی که در راه ما مجاهدت و کوشش نمایند، آنان را به راه‌های خودمان [که راه‌های خیر و سعادت است] راهنمایی می‌کنیم.»

زندگی مجاهدانه در نزد امام صادق علیه السلام، این چنین تحسین برانگیز و جایگاهش غبطه‌انگیز است.

#### ۹. کناره‌گیری از دامهای دنیا

راه وصول ما به توفیق رستگاری، کناره‌گیری از دامهای فریبنده دنیای گناه و نافرمانی است. حضرت علی علیه السلام خطاب به دنیا می‌فرماید:

۳. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم، ج ۲، ص ۱۱۰.  
۴. عنکبوت / ۶۹.

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۹۸ (در دعای پس از نماز جعفر طیار).  
۲. غافر / ۶۰.

موفق می‌گردانیم ایشان را برای ازدیاد طاعات و عبادات تا ثواب و پاداش آنها افزون گردد.<sup>۳</sup> و در حدیثی آمده است که: «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ، وَرَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛<sup>۴</sup> هر کس به آنچه که دانسته، عمل کند، علم آنچه را که نمی‌داند، خدا برایش به ارث می‌گذارد.»

#### ۱۱. پیروی از خوشنودی خداوند

خداوند می‌فرماید: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛<sup>۵</sup> «خداوند به وسیله قرآن کسانی را که از رضا و خوشنودی او پیروی می‌کنند، به راههای سلامت

۳. تفسیر جامع، سید محمد ابراهیم بروجردی، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۶، ششم، ج ۵، ص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۴. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی، تحقیق: حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، اول، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۵. مائده / ۱۶.

«هیهات! مَنْ وَطِئَ دَحْضَكَ زَلِقَ، وَمَنْ رَكِبَ لُجْحَكَ غَرِقَ، وَمَنْ اَزْوَرَ عَن حَبَائِلِكَ وَفَّقَ؛<sup>۱</sup> هیهات! کسی که در لغزشگاه تو گام نهاد، لغزید، و آن که بر امواج [دریای] ژرف تو سوار شد، غرق گردید، و هر که از بندهای دامت کناره گرفت، توفیق (رستگاری) یافت.»

#### ۱۰. عمل به علم خود

اگر به علم خود عمل کنیم، خداوند امورمان را در مواردی که علم نداریم، کفایت می‌کند و این، توفیق علمی و عملی بزرگی است؛ لذا مرحوم طبرسی ذیل آیه ﴿يَأْيِهَآ الَّذِينَ ءَامَنُوا اِنْ تَنصَرُوا لِلّٰهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَنْصُرْكُمْ﴾؛<sup>۲</sup> از ابن عباس روایت کرده که مفهوم آیه این است: کسانی که به علم و دانش خود عمل می‌کنند، ما آنها را هدایت و رهبری می‌نماییم به آنچه علم و دانش آن را ندارند و

۱. نهج البلاغه، ص ۵۵۶، نامه ۴۶.

۲. محمد / ۷.

آورده‌اید، اگر شما دین خدا را یاری دهید، خدا نیز شما را یاری می‌دهد و قدمهای شما را ثابت و استوار می‌سازد.» و توفیق اعمال صالح بیشتر و بهتری عنایت می‌فرماید.

#### ۱۴. استقامت در راه بندگی

ما باید در دینداری و صراط مستقیم بندگی خدا<sup>۳</sup> استقامت کنیم<sup>۴</sup> و

۳. «بر حسب تفسیر آیه شریفه ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ پرستش آفریدگار، یگانه طریقه مستقیم است و توصیف ذاتی صراط به «استقامت» از آن جهت است که طریقه پرستش بر وفق فطرت و بر طبق عبودیت تکوینی می‌باشد.» (انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴).

۴. «در تفسیر «الدرّ المثور»، ج ۳، ص ۳۴۷ است که ابو نعیم در کتاب «الحلیله» از علی ع روایت کرده که گفت: به رسول خدا ص عرضه داشتم: «مرا توصیه فرما». حضرت فرمود: بگو: «پروردگارم الله است و به دنبال آن استقامت بورز و به پای گفته‌ات بایست». عرضه داشتم: «پروردگارم الله است و جز به وسیله او مرا توفیقی نیست، بر او توکل می‌کنم و به سوی او رجوع می‌نمایم.» رسول خدا ص فرمود: «گوارا باد تو را این علم ای ابو الحسن! به راستی که



هدایت می‌کند و از تاریکیها به فرمانش به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به راه راست رهبری می‌نماید؛ یعنی، پیروی از فرمان الهی و جلب خشنودی او، زمینه‌ساز هدایت و توفیق بنده مؤمن است.»

#### ۱۲. دینداری

حضرت علی ع می‌فرماید: «كَمَا أَنَّ الْجِسْمَ وَالظَّلَّ لَا يَفْتَرِقَانِ، كَذَلِكَ الدِّينُ وَالتَّوْفِيقُ لَا يَفْتَرِقَانِ؛<sup>۱</sup> همان‌گونه که جسم و سایه از هم جدا نمی‌شوند، دینداری و توفیق نیز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. آری، دینداری منشأ توفیقات فراوانی است.»

#### ۱۳. یاری کردن دین خدا

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان

۱. غرر الحکم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۰۳، ح ۴۰۶.

۲. محمد / ۷.



طاعت است و عبادت، توفیقِ اطاعتِ بیشتر را فراهم می‌نماید.»

### ۱۵. سجده‌های طولانی

از روایات استفاده می‌شود که سجده‌های طولانی در جلب نظر و توفیق الهی مؤثر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی بنده، نماز به جا آورد و سپس سجده شکر نمود، پروردگار متعال پرده از میان او و ملائکه برمی‌دارد و می‌گوید: ای ملائکه من! به بنده من نظر کنید که فریضه مرا ادا نموده و عهد مرا به جا آورده، سپس جهت شکر نعمتهایی که به او عطا کرده‌ام، مرا سجده کرده است. ملائکه من! کدام عطا سزاوار او است؟ ملائکه می‌گویند: رحمت تو. خداوند می‌فرماید: سپس چه؟ ملائکه می‌گویند: بهشت تو. خداوند می‌فرماید: سپس چه؟ ملائکه می‌گویند: کفایت مهمات امور او.

ح ۳۴۰۵.

البته از خدا بخواهیم که توفیقِ استمرارِ حرکت و ثبات قدم و صبر در راه بندگی<sup>۱</sup> و اطاعت، عطا نماید و توفیقش برای ادامه راه همراهمان باشد؛ چرا که بندگی دائمی نشانه توفیق در کسب خوشبختی است، آن چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ بِالسَّعَادَةِ»<sup>۲</sup> عبادت دوام‌دار، دلیل قاطع دستیابی به خوشبختی است و نیز می‌فرماید: «غَايَةُ الْعِبَادَةِ الطَّاعَةِ»<sup>۳</sup> نهایت عبادت

تو علم را نوشیده‌ای آن هم چه نوشیدنی، و تو علم را، همه‌اش را، یکباره فرا گرفته‌ای و آن هم چه فراگرفتنی. (ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۵۶۵).

۱. خداوند تبارک و تعالی در قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین خطاب می‌کند: «رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَأَعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم / ۶۵).

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶، چ اول، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۶.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۲،

پروردگار می‌فرماید: سپس چه؟ هیچ یک از نعمتها نمی‌ماند مگر اینکه ملائکه همه را می‌شمارند. باز خدای متعال می‌گوید: سپس چه؟ ملائکه می‌گویند: ما چیزی نمی‌دانیم. آن‌گاه خداوند متعال می‌فرماید: شکر او را به جا می‌آورم آن چنان که او شکر مرا به جا آورد و به فضل خود به او اقبال می‌نمایم و وجه خود را به او نشان می‌دهم.<sup>۱</sup> چه نعمتی از این بالاتر؟!!

#### ۱۶. حلال خواری و پرهیز از حرام

##### خواری

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ»<sup>۲</sup> هر کس چهل روز مال حلال بخورد، خداوند قلبش را نورانی می‌کند. این نورانیت قلب، توفیقات معنوی و روحی

فراوانی به همراه می‌آورد. آن حضرت همچنین فرمود: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ»<sup>۳</sup> عبادت کردن همراه با حرام خواری، بسان بناسازی بر شنهای روان است. باید از مال حرام دوری کنیم تا توفیقاتمان سلب نشود و عباداتمان بی اثر نگردد و از بین نرود.

#### ۱۷. امکان گناه نیافتن

حضرت علی ع می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ النَّعْمَةِ تَعَذُّرُ الْمَعَاصِي»<sup>۴</sup> امکان گناه نیافتن، یکی از نعمتها است. چرا که باعث عدم ارتکاب گناه و رهایی از عذاب می‌شود، هر چند پاداش ترک گناه، با وجود قدرت بر آن، بیشتر است. اگر در این زمان - که امکان و امکانات گناه، فراوان‌تر شده - از گناه پرهیزیم، و خود را در معرض

۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل

البت، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶.

۲. عده الداعی، ابن فهد حلّی، بی‌جا، دارالکتاب

الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، اول، ص ۱۵۳.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۹،

ص ۲۶۰.

آلودگی به گناه قرار ندهیم، توفیقات مضاعف‌تری می‌یابیم.

### پیامدها و آثار توفیق الهی چیست؟

توفیق‌مندی، پیامدها و آثار مثبت بسیاری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. مصونیت از گناه

مؤمنان به خاطر بودن و زیستن در حیطة ولایت الهی و تعالیم ربوبی و اعمال صالحشان، پیوسته برای حرکت در مسیر حق از خداوند الهام می‌گیرند.<sup>۱</sup> این الهام، زمینه‌ساز دوری از لغزشها است. در روایت آمده است

۱. «از جمله سپاس سلیمان پیامبر علیه السلام آن بود که از ساحت پروردگار درخواست می‌نمود که او را توفیق دهد که پیوسته اعمال صالح - که مورد رضایت و خشنودی کبریایی است - از او سرزند و در حیطة ولایت و تعلیمات ربوبی به اعمال صالح و شایسته خود ادامه دهد و پیوسته برای هر حرکت خود از آن مقام شامخ الهام بگیرد.» (انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، اول، ج ۱۲، ص ۱۲۴).

که: «مَنْ أَلْهَمَ الْعِصْمَةَ أَمِنَ الزَّلَالَ؛ هر که خویشنداری از گناه بر دلش الهام شود، از لغزش، ایمن گردد و عصمت، توفیق پرهیز از گناه، و حرکت در مسیر رضایت الهی و انجام طاعت او است.

#### ۲. علم نافع

بی‌توفیق الهی، دانش آدمی فایده‌ای نخواهد داشت. همچنان که در روایت آمده است: «لَا يَنْفَعُ عِلْمٌ بغير تَوْفِيقٍ؛<sup>۳</sup> هیچ دانشی، بی‌توفیق، سودی نمی‌بخشد.»

غیر شربت توفیق ای حکیم دانشمند نسخه‌ای به قانون نیست در شفای نادانی

#### ۳. عمل صالح و نیک

با توفیق الهی است که قادر به انجام کارهای شایسته و نیکو می‌شویم. حضرت علی فرمود: «مِنْ السَّعَادَةِ التَّوْفِيقُ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ؛ توفیق

۲. غرر الحکم، ح ۷۳۳۸.

۳. همان، ص ۲۰۳، ح ۴۰۰۱.

۴. غرر الحکم، ح ۲۸۸۱.

انجام اعمال صالح، از خوشبختی است.»

در روایتی نیز آمده است که: «مَنْ أَمَدَّهُ التَّوْفِيقُ أَحْسَنَ الْعَمَلِ»<sup>۱</sup> هر که توفیق یارش شود، عمل نیکو انجام دهد.»

#### ۴. حسنه‌یابی

توفیق نیکوکاری، زمینه‌ساز زندگی خداپسندانه و جلب حسنات در دنیا می‌شود. خداوند می‌فرماید: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ»<sup>۲</sup> «یعنی، نتیجه نیکوکاری، هدایت و توفیق است.»

#### ۵. همراهی خداوند

توفیق نیکوکاری، موجب جلب همراهی خداوند با نیکوکاران می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۳</sup> «به درستی که خداوند همواره با نیکوکاران است.»

#### ۶. نرم‌خویی

در روایت آمده است که: «التَّوْفِيقُ مِفْتَاحُ الرَّفْقِ»<sup>۴</sup> توفیق، کلید نرم‌خویی است. «یعنی، توفیقی که خدا می‌دهد و تهیّه اسباب خیر برای هر کس، سبب نرم‌دلی و خوش‌اخلاقی او می‌شود. همان‌طور که خدا درباره حضرت محمد ﷺ فرمود: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»<sup>۵</sup> «پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و مهربان شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

#### ۷. عبادت

عبادت، از نشانه‌ها و آثار توفیق است. بی‌یاری توفیق، عبادت میسر نمی‌شود. همان‌گونه که روایت می‌گوید: «كَيْفَ يَتَمَعُّ بِالْعِبَادَةِ مَنْ لَمْ يُعِنَهُ

۱. همان، ص ۱۵۴، ح ۲۸۵۸.

۲. نحل / ۳۰.

۳. عنکبوت / ۶۹.

۴. غرر الحکم، ح ۳۹۸۷.

۵. آل عمران / ۱۵۹.

فرمود: کسی را که چهار چیز داده باشند، چهار چیز دیگر هم داده‌اند و تفسیر این در کتاب خدا است:

۱. کسی که توفیق یاد خدایش داده‌اند، خدا هم به یاد او خواهد بود؛ چون خدای تعالی می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾<sup>۳</sup> «به یادم باشید تا به یادتان باشم.»

۲. و کسی که توفیق دعایش داده‌اند، اجابت دعا هم داده‌اند، چون خدای تعالی می‌فرماید: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾<sup>۴</sup> «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.»

۳. و کسی که مقام شکرش داده‌اند، زیادی نعمت هم داده‌اند؛ چون خدای تعالی می‌فرماید: ﴿لئن شكرتم لأزيدنكم﴾<sup>۵</sup> «اگر شکرم بگزارید، حتما نعمت شما را زیاد

التوفیق؛<sup>۱</sup> چگونه از عبادت بهره‌مند شود کسی که توفیق، یاری‌اش نکرده است؟ بی‌رغبتی به عبادت خدا، نشانه بی‌توفیقی است.»

#### ۸. ثبات قدم

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصَرُوا لِلَّهِ تَنصِرْكُمْ وَ يُبَيِّنَ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شما دین خدا را یاری دهید، خدا نیز شما را یاری می‌دهد و قدمهای شما را ثابت و استوار می‌سازد.» پس به یاری دیه خدا بشتابیم تا خداوند نیز قدمهایمان را استوارتر گرداند.

۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲. جلب یادکرد الهی، اجابت دعا، ازدیاد نعمت و آمرزش

در تفسیر الدر المنثور است که طبرانی و ابن مردویه و بیهقی در شعب الایمان از ابن مسعود روایت کرده‌اند که گفت: «رسول خدا ﷺ

۳. بقره / ۱۵۲.

۴. غافر / ۶۰.

۵. ابراهیم / ۷.

۱. غرر الحکم، ص ۲۰۳، ح ۴۰۰۵.

۲. محمد / ۷.

می‌کنم.»

۴. و کسی که توفیق استغفارش داده‌اند، آمرزشش هم داده‌اند؛ چون خدای سبحان فرمود: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا»<sup>۱</sup> «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزگار است.»<sup>۲</sup>

### ۱۳. سعادت

در روایت آمده است که: «بِالتَّوْفِيقِ تَكُونُ السَّعَادَةُ»<sup>۳</sup> با توفیق، سعادت به دست می‌آید. ما باید دست به هر خیری بزنیم تا شایسته توفیق الهی شویم و با توفیق است که خوشبخت می‌گردیم.

### زمینه‌ها و عوامل سلب توفیق

#### ۱. فراموشی خداوند

خداوند می‌فرماید: «نَسُوا اللَّهَ فَاَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ»<sup>۴</sup> «خدا را فراموش

کردند، و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد.» از یاد بردن خدا، زمینه و عامل از دست دادن بسیاری از توفیقات الهی است که در پرتو یاد خدا قابل دست‌یابی است.

#### ۲. تردید داشتن

تردید، نشانه بی‌بصیرتی، بی‌ایمانی و عامل بی‌توفیقی است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»<sup>۵</sup> «تنها کسانی از تو اجازه (ماندن در مدینه) می‌گیرند که ایمان به خدا و روز آخرت ندارند و قلبشان در شک و تردید است. لذا آنان در تردید خود سرگردانند.»

بصیرت‌افزایی، عاملی تردیدزا و ایمان‌افزا و توفیق‌آفرین است.

#### ۳. معصیت و نافرمانی (فسق: خروج

#### از زی‌بندگی الهی)

خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ

۱. نوح / ۱۰.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۴۶.

۳. غرر الحکم، ح ۳۲۷۸.

۴. حشر / ۱۹.

۵. توبه / ۴۵.

يَعَصِرُ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِيْنًا؛<sup>۱</sup>  
 «هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، به ضلالتی آشکار گمراه شده است.» گناه و نافرمانی، موجب سلب توفیق هدایت و باعث گمراهی می‌گردد.

خداوند ضرب المثلی مطرح می‌نماید و سپس می‌فرماید: ﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيْرًا وَيَهْدِيْ بِهٖ كَثِيْرًا وَمَا يُضِلُّ بِهٖ اِلَّا الْفٰسِقِيْنَ﴾؛<sup>۲</sup> «خداوند به وسیله آن [ضرب المثل] گروهی را گمراه و گروهی را هدایت می‌کند، اما جز فاسقان (نافرمانان) را گمراه نمی‌سازد.» در این آیه، سرچشمه اضلال الهی، فسق و خروج از اطاعت و فرمان الهی شمرده شده است. اگر گناه نکنیم، توفیقاتمان سلب نمی‌شود.

۴. کفر (انکار حقایق دینی و تغییر

نعمتهای خداوند)

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاللّٰهُ لَا

يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِيْنَ﴾؛<sup>۳</sup> «خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.» در این آیه، کفر، زمینه‌ساز سلب توفیق و عامل گمراهی معرفی شده است.

۵. ظلم (خروج از عدالت و حد وسط)

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ﴾؛<sup>۴</sup> «خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.» یعنی، ظلم زمینه‌ساز سلب توفیق و موجب محرومیت از هدایت الهی می‌شود.

۶. اعمال ناشایست

امام صادق علیه السلام درباره کلام خدای عزّ وجلّ: ﴿قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضٰلِيْنَ﴾؛<sup>۵</sup> «گفتند: پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره گشت.» فرمود: «بَاعْمَالَهُمْ شَقَّوْا؛<sup>۶</sup> به وسیله عملهایشان بدبخت شدند.»

۳. بقره / ۲۶۴.

۴. بقره / ۲۵۸.

۵. مؤمنون / ۱۰۶.

۶. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، ترجمه: محمد علی سلطانی، ص ۵۵۳، ح ۲.

۱. احزاب / ۳۶.

۲. بقره / ۲۶.

بنابراین با اعمال شایسته، توفیق سعادت نصیب ما می‌شود و از ما سلب نمی‌گردد.

### پیامدها و آثار سلب توفیق

سلب توفیق، پیامدها و آثاری دارد که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

#### ۱. خودفراموشی

محرومیت از توفیق یاد خدا، موجب خودفراموشی زیان‌بار می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «نَسُوا اللَّهَ فَاَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ»<sup>۱</sup> «خدا را فراموش کردند، و خدا نیز آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد.»

#### ۲. رویگردانی از خداوند

اگر توفیق روآوری به خدا از دست رود، دل، از یاد خدا رویگردان می‌شود. آن چنان که خداوند می‌فرماید: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ»<sup>۲</sup> «چون از حق روی گردانیدند، خدا هم دل‌های آنان را [از توجه به حق] گردانید.»

### ۳. محرومیت معنوی

گناه، موجب محرومیت از موفقیت‌های معنوی می‌شود. در روایت آمده است که مردی نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و عرض کرد: مدتی است که از نماز شب محروم‌م. حضرت فرمود: «گناهان، دست و پایت را بسته‌اند: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ ... فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: أَنْتَ رَجُلٌ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.»<sup>۳</sup>

#### ۴. تنگدلی

سلب توفیق شرح صدر باعث تنگدلی و آلودگی به پلیدیهای معنوی ایمان‌گريزانه می‌گردد.

«وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۴</sup> «و آن کس را که (به خاطر

۳. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چهارم، ج ۲، ص ۱۲۱.

۴. انعام / ۱۲۵.

۱. حشر / ۱۹.

۲. صف / ۵.



يَسْتَوِي بِهَا الْخِذْلَانُ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوَقَّعَهُ بِمَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهَا؛<sup>۲</sup> به وسیله گناهان، خذلان (و سلب توفیق) بر گنهکار مستولی می شود تا جایی که او را در گناهان بزرگ تر می اندازد.

#### ۷. شقاوت و بدبختی

همان طور که گفتیم امام صادق علیه السلام درباره کلام خدای عز و جل: «قَالُوا رَبُّنَا عَلَبَت عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا»؛ «پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره گشت، فرمود: «بِأَعْمَالِهِمْ شَقَّوْا»<sup>۳</sup> به وسیله عملهایشان بدبخت شدند.» سلب توفیق اعمال صالح، موجب ناشایستگی و شقاوت می گردد.

#### پیامدهای بود و نبود توفیق

اگر خداوند به پاس نیکوهای مؤمنان، بر توفیقات تشویق آمیز خود نسبت به آنان نیفزاید، قادر به ادامه زندگی مؤمنانه نخواهند شد و چه

۲. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق، ترجمه: محمدعلی سلطانی، ص ۵۵۳،

ح ۲.

اعمال خلافش) بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می گرداند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود، این چنین خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد.»

#### ۵. کوردلی (وبی بصیرتی)

غرق بودن کافران، منافقان و گنهکاران در گناهان باعث می شود که قلبشان به تدریج همچون صخره های سیاه، در دل شبهای ظلمانی، سیاه و سیاه تر شود و نیروی درک و تشخیصشان از حقیقت، مختل گردد و بر چشم و گوش و فکر و دلشان پرده بیفتد و به کوردلی مبتلا گردند و نتوانند حق و حقیقت را دریابند. «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup> «خدا بر دلهایشان مهر زده و بر گوش و چشمهایشان پرده ای است و ایشان عذابی عظیم دارند.»

#### ۶. گناه گرایی روزافزون

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْمَعَاصِيَ

۱. بقره / ۷.

## نتیجه

وجود ما انسانها و آثار وجودی‌مان آفریده خدا است و قدرت و اختیار ما نیز از ناحیه خدا است. اما این را که از قدرت و اختیارمان چگونه استفاده کنیم، خداوند به خود ما واگذار کرده است. حال اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده کنیم، خداوند پاداشی به ما می‌دهد و اسباب هدایت و توفیق در این زمینه را فراهم می‌کند و برکت استمرار اسباب هدایت و سعادت را عنایت می‌فرماید. اما اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده نکردیم و بلکه از آن در راه نادرست و گناه و نافرمانی استفاده کردیم، نتیجه وضعی‌اش این است که مجازات می‌شویم و بی‌توفیقی و خذلان نصیبمان می‌گردد و اسباب و زمینه‌های موفقیت را از دست می‌دهیم و بلکه زمینه سقوط و تنزل بیشترمان می‌شود.

بسا دلگرمی‌های روزافزون‌تری پیدا نخواهند کرد تا با نشاط و انرژی و امید بیشتری به پیش بروند. از سوی دیگر اگر خدا به کیفر گناه کافران، منافقان و گنهکاران، از آنان سلب توفیق نماید و آثار وضعی گناهانشان را تا حدودی در این دنیا به آنان نچشانند و در زندگی‌شان نمایان نسازد، از استمرار گناه ابایی نخواهند داشت و بازدارندگی لازم را فراروی خود نخواهند دید و به زندگی عاصیانۀ خود ادامه خواهند داد؛ اما وجود پاداشهای توفیق‌افزا برای مؤمنان به خاطر نیکیهایشان، دلگرمی و امید و انرژی لازم را در وجودشان می‌دمد و به ادامه نیکوکاری سوق می‌دهد و نیز سلب توفیق از گنهکاران در دنیا به خاطر گناهانشان، چه بسا موجب تنبّه و بیداری و بازدارندگی‌شان می‌شود تا از گمراهی به راه حق برگردند یا زودتر نابود شوند تا دیگران از دست آنان در آسایش باشند.